

# پاکت‌هایی پراز داناپی

گفت‌وگو با شلیر غفور ملایی،  
مربی کتابخانه پستی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مهاباد



محمدحسین دیزجی

مهمی از زندگی و فعالیت روزمره‌اش شده است. چند صد کودک و نوجوان در مهاباد و روستاها و مناطق اطراف آن، او را چون مادری مهربان دوست دارند و او نیز برای تمامی آنان همانند فرزند خویش، حامی و راهنماست. برخی از کودکان دیزجی در منطقه که مطالعه را با هدایت و راهنمایی او شروع کرده‌اند، امروز خودشان راهنمای دیگران برای انس با کتاب هستند. برای آشنایی بیشتر با کتابخانه پستی، گفت‌وگوی ما با خانم غفور ملایی را بخوانید.

«شلیر» به زبان کردی به معنای لاله واژگون است.  
محمدحسین دیزجی

کتابخانه در ذهن اغلب ما ساختمانی با قفسه‌هایی پر از کتاب است که یک کتابدار در آنجاست تا هر مشتاق مطالعه‌ای را برای دست یافتن به کتاب مورد علاقه‌اش راهنمایی کند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چنین کتابخانه‌ای را در سال ۱۳۴۴ در پارک لاله تهران برای بچه‌ها راه‌اندازی کرد. این‌گونه کتابخانه‌های ثابت به تدریج در شهرهای مختلف گسترش پیدا کردند. در این میان، کانون برای بچه‌هایی هم که به کتابخانه ثابت دسترسی نداشتند، کتابخانه‌های سیار را فراهم کرد؛ خودروهایی پر از کتاب که همراه با مربی به مناطق روستایی و کم‌برخوردار می‌روند تا بچه‌ها به کتاب و کتابخانه دسترسی داشته باشند. در کنار این‌ها، کتابخانه‌های دیگری هم هست که به آن‌ها کتابخانه پستی می‌گویند. چنین کتابخانه‌ای به بچه‌هایی خدمات می‌دهد که به کتابخانه سیار هم دسترسی ندارند. کتاب را داخل پاکت می‌گذارند و برای بچه‌ها می‌فرستند. بچه‌ها کتاب را می‌خوانند و دوباره آن را داخل پاکت می‌گذارند و برای مربی خود می‌فرستند. برای آشنایی با چنین کتابخانه‌هایی، به مهاباد در استان آذربایجان غربی می‌رویم؛ جایی که خانم شلیر غفور ملایی یک کتابخانه پستی را اداره می‌کند. او مدرک کارشناسی علوم تربیتی با گرایش مدیریت آموزشی دارد و از سال ۱۳۷۵ در کانون مشغول به کار است. ابتدا به‌عنوان مربی هنری و سپس به‌عنوان مربی فرهنگی و بعد مربی مسئول در مراکز شماره یک و دو کانون پرورش فکری مهاباد در خدمت کودکان و نوجوانان بوده است و از شهریور ۱۳۹۵ در بخش کتابخانه پستی بچه‌ها را با کتاب و کتابخوانی پیوند می‌دهد. او که از کودکی به مطالعه علاقه‌مند بوده، سال‌هاست که مطالعه بخش





## ● یک روز کاری شما به عنوان مربی کتابخانه پستی چگونه می‌گذرد؟

○ شروع کار من با برگشت دادن کتاب‌های اعضاست. داخل پاکت کتاب اعضا همواره نامه‌هایی هست که گاه خلاصه‌هایی است که اعضا از کتابشان نوشته‌اند یا درخواست‌های آن‌ها را در خود دارد و یا نامه‌هایی حاوی تشکر است و ... خواندن نامه‌ها بخشی دیگر از کار هر روز من است. سپس کتاب‌های برگشتی اعضا را می‌چینم، برایشان کتاب انتخاب می‌کنم و دوباره کتاب امانت می‌دهم، نامه‌هایشان را جواب می‌دهم و به همراه کتاب‌های امانتی در پاکت کتابشان می‌گذارم. بخشی دیگر از کار روزانه‌ام، فعالیت‌های فرهنگی است که هماهنگ با برنامه‌های ستاد، انتظار انجام دادنشان از مربی پستی می‌رود و من ضمن اختصاص دادن زمان برای این فعالیت‌ها، شرح آن‌ها را به همراه کتاب‌ها برای اعضا می‌فرستم. پس، دریافت این آثار و بررسی و جواب دادن به آن‌ها بخشی دیگر از کار هر روزه به حساب می‌آید.

## ● چند منطقه یا روستا تحت پوشش شما هستند و چه تعداد عضو دارید؟

○ یازده روستا و یک منطقه حاشیه شهر شامل ۲۰ مدرسه تحت پوشش کتابخانه پستی مهاباد است. آماري که به صورت دستی از اعضای تحت پوشش دارم ۶۲۵ نفر است اما آمار اعضای موجود در بازه زمانی براساس نرم‌افزار کتابداری ۷۵۰ نفر می‌باشد. در نرم‌افزار کتابداری، عضویت اعضا یک ساله تعریف شده است ولی آمار اعضای کتابخانه پستی براساس سال تحصیلی مشخص می‌شود. متأسفانه این عدم تطابق همواره مشکلاتی در بخش آماری به وجود می‌آورد.

## ● این اعضا شامل کدام گروه‌های سنی است؛ مثلاً از پایه اول دبستان تا ...؟

○ بچه‌ها از دوره ابتدایی تا دوره اول متوسطه می‌توانند عضو کتابخانه شوند؛ به عبارتی از اول ابتدایی تا کلاس نهم.

## ● بیشتر دختران عضو کتابخانه هستند یا پسران؟

○ دخترها و پسرها تقریباً در حد یکسان عضو کتابخانه‌اند؛ چرا که بسیاری از مدارس ابتدایی روستا دانش‌آموزان مختلط دارد ولی تعداد اعضای کودک از اعضای نوجوان بیشتر است.

## ● روش ارسال کتاب برای بچه‌ها چگونه است؛ مثلاً اگر شما امروز برای من یک کتاب قصه بفرستید، کتاب بعدی را چطور انتخاب و ارسال می‌کنید؟

○ تعداد مدارس را به دو دسته تقسیم کرده‌ام؛ برای یک دسته از آن‌ها دهم هر ماه برای دسته دیگر، بیست و چهارم ماه کتاب می‌فرستم. دسته‌ای که در دهم هر ماه برایشان کتاب فرستاده‌ام، در بیست و چهارم همان ماه کتابشان را برگشت می‌دهند و آن دسته که در بیست و چهارم ماه کتاب امانت گرفته‌اند، دهم ماه بعد کتابشان را برگشت می‌دهند. اعضا در طول هر ماه کتاب می‌گیرند و آن را برگشت می‌دهند. البته زمان بندی برای فرستادن کتاب دو هفته‌ای است و آن را با توجه به روزهای ماه و تقسیم منظم در طول یک سال تحصیلی در اول سال تحصیلی انجام داده‌ام و در جدولی برایشان می‌فرستم. تقسیم بندی زمان باید طوری باشد که به روزهایی که فرصت توزیع فراهم نیست، برنخورد. به این ترتیب ماهی یک بار برایشان کتاب می‌فرستم.

ادام  
حداقل تفاوت  
این اعضا با دیگر  
دانش آموزان، در  
روخوانی کتاب  
است که به تقویت  
آن می‌انجامد

## ● بچه‌ها چطور می‌توانند کتاب انتخاب کنند؛ چون آن‌ها که به کتاب‌ها دسترسی ندارند.

○ کتاب‌هایی را که برای اعضا می‌فرستم، خودم انتخاب می‌کنم اما در شروع عضویت اعضا نامه‌ای برایشان می‌فرستم و از آن‌ها می‌خواهم که علایق کتابخوانی‌شان را برایم بنویسند. این علاقه براساس موضوع بندی است؛ مثلاً کتاب‌های علمی، داستانی، رمان، دینی، تاریخی و ... بیشتر اوقات هم درخواست‌هایی در راستای کتاب‌هایی که می‌خواهند برایم می‌نویسند. البته با توجه به محدودیت منابع متأسفانه برای برآوردن این درخواست‌ها همواره کم می‌آورم.

● آیا بچه‌ها وقتی کتاب را به شما برمی‌گردانند، باید خلاصه نویسی یا کار دیگری هم انجام داده باشند که شما متوجه شوید کتاب را مطالعه کرده‌اند؟  
○ بله، همان طور که گفتم، من طی نامه‌ای که در شروع عضویت



برایشان می‌فرستیم، توضیح می‌دهم که در مطالعه کتاب‌ها می‌توانند چند روش را انتخاب کنند؛ خلاصه‌ای چند سطری از کتابشان یا بهترین قسمت آن را برایم بنویسند. خیلی وقت‌ها هم برای اطمینان از اینکه کتاب‌ها را می‌خوانند، مسابقاتی طراحی می‌کنم و برایشان می‌فرستم. تعداد اعضای شرکت‌کننده در این مسابقات و اشتیاق آن‌ها مبین میزان مطالعه آن‌هاست.

### ● اگر بچه‌ها درباره کتاب‌هایی که می‌خوانند سؤالاتی داشته باشند، ارتباط شما با آنان برای پاسخگویی چگونه است؟

□ اگر سؤالی داشته باشند، برایم می‌نویسند و من جواب سؤالاتشان را می‌دهم. هیچ سؤال و نامه‌ای در کتابخانه پستی بی‌جواب نمی‌ماند. نامه‌های من به اعضا همواره بیشتر از نامه‌های آن‌ها به من است.

### ● شما چه تعداد از کتاب‌های کتابخانه پستی خودتان را خوانده‌اید؟

□ بیشتر از ۹۵ درصد کتاب‌های بخش کودک را مطالعه کرده‌ام. بخش زیادی از کتاب‌های نوجوان را هم خوانده‌ام. در این بخش، بیشتر با توجه به شناختی که از نویسندگان دارم مطالعه می‌کنم؛ مثلاً از کتاب‌های آقای فرهاد حسن‌زاده کتابی نیست که وارد کتابخانه شود و من آن را نخوانم. در مورد سایر کتاب‌های گروه نوجوان، به‌ویژه رمان‌های نوجوانان، سعی می‌کنم از اعضای نوجوان مرکز شماره دو مهاباد کمک بگیرم. این بخش از کتاب‌ها را این اعضا برایم تعریف می‌کنند و من از بین آن‌ها کتاب مناسب را انتخاب می‌کنم و برای اعضای کتابخانه پستی می‌فرستم.

### ● بچه‌هایی که عضو کتابخانه شما هستند، از نظر درسی با بچه‌هایی که کتاب غیردرسی مطالعه نمی‌کنند، چه تفاوتی دارند؟

□ قطعاً مطالعه می‌تواند در موفقیت تحصیلی اعضا نقش مؤثری داشته باشد. متأسفانه در این زمینه آمار موثقی ندارم.

### ● آیا با معلمان این بچه‌ها در ارتباط هستید که بدانید آن‌ها چه تفاوتی با دیگر دانش‌آموزان پیدا می‌کنند و در چه زمینه‌هایی رشد دارند؟

□ من با مدیران، معاونان پرورشی و معلمان اعضای کتابخانه در ارتباط هستم و همه آن‌ها خبر از این می‌دهند که حداقل

تفاوت این اعضا با دیگر دانش‌آموزان، در روخوانی کتاب است که به تقویت آن می‌انجامد. تقاضای زیاد معلمان برای به عضویت درآوردن دانش‌آموزان می‌تواند نشانه‌ای از مؤثر بودن مطالعه در روند تحصیلی آن‌ها باشد.


### ● شما به‌طور معمول چه تعداد و چند عنوان کتاب در اختیار دارید که برای بچه‌ها بفرستید؟

□ تعداد ۸۵۱۵ جلد کتاب در اختیار دارم ولی سیستم کتابداری، آماری از تعداد عناوین کتاب‌ها به دست نمی‌دهد.

### ● آیا ارتباط شما و بچه‌ها فقط در زمینه کتاب است یا فعالیت‌های مشترک دیگری هم دارید؟ مثلاً آموزش کاردستی یا کارهای دیگر؟

□ هدف کتابخانه‌های کانون این است که زمینه شکوفایی استعدادها را در اعضا ایجاد کنیم. این قاعده در کتابخانه پستی هم جاری است. فقط با توجه به حضور نداشتن مربی در کنار اعضا، محدودتر است. در این بخش هم بیشتر فعالیت‌هایی که قابلیت مکاتبه‌ای بودن دارند یا انجام دادن آن‌ها با کمک گرفتن از معلمان مقدور باشد، اجرایی می‌شوند. همه فراخوان‌ها را برای اعضا می‌فرستم و آن‌ها با انگیزه زیاد در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند؛ از جمله این فراخوان‌ها، فراخوان‌های ادبی، کاردستی و قصه‌گویی است.

در جشن قصه کتابخانه‌ای از اعضای که فایل‌های صوتی‌شان

  
**کانون یعنی کتاب زمینه بروز بسیاری از استعدادها را در اعضا ایجاد کنیم. این قاعده در کتابخانه پستی هم جاری است. فقط با توجه به حضور نداشتن مربی در کنار اعضا، محدودتر است**

را برایم فرستاده بودند، دعوت کردم که به صورت حضوری شرکت کنند.

● شنیده‌ایم که تعدادی از این بچه‌ها ارتباط خوبی با مربیان پستی برقرار می‌کنند؛ برایشان درد دل می‌کنند و مشکلاتشان را با آن‌ها در میان می‌گذارند. در این باره هم اگر خاطره و تجربه‌ای دارید بفرمایید.

□ بله، بچه‌ها از هر چیزی که برایشان مسئله باشد می‌نویسند. یکی از اعضای نوجوان پارسال با مشکل فشار والدین برای ترک تحصیل مواجه بود و برایم نوشته بود که والدینش مانع رفتنش به مدرسه می‌شوند؛ چون روستای آن‌ها مدرسه متوسطه اول نداشت و باید به روستای دیگری می‌رفت. من با مدیر این دانش آموز صحبت کردم و از او خواستم که با والدینش حرف بزند و منصرفشان کند. امسال وقتی اسم این عضو را در فهرست بچه‌های مدرسه دیدم، خیلی خوشحال شدم.

● مربی پستی در مسیر کارش چه مشکلاتی دارد؟

□ دست تنها بودن در کتابخانه پستی بزرگ‌ترین مشکل این واحد است؛ چون تعداد اعضا زیاد است و اگر بخواهیم کارهای مربوط به آن‌ها به نحو احسن و با کیفیت انجام گیرد، از عهده یک نفر خارج است ولی متأسفانه کانون پرورش فکری به کتابخانه‌های پستی

آن چنان که شایسته است، اهمیت نمی‌دهد.

● آیا معلمان این بچه‌ها در مدارس روستایی هم با شما در ارتباط‌اند؟ اگر هستند، چگونه؟

□ من روال کاری‌ام را بیشتر براساس برنامه مدیران بنا کرده‌ام، چرا که کلاس‌های تحت پوششم ثابت‌اند و معلمان این کلاس‌ها تغییر می‌کنند. خوشبختانه مدیران این مدارس نهایت همکاری را با کتابخانه پستی دارند و جلسات توجیهی هم برای معلمان برگزار می‌کنند. من در شروع هر سال تحصیلی جلسه‌ای توجیهی با مدیران مدارس تحت پوشش، با حضور رئیس آموزش و پرورش و معاون پرورشی و مسئول آموزش ابتدایی و متوسطه شهرستان برگزار می‌کنم. در این جلسات، رابطی هم طی نامه رسمی مدیر آموزش و پرورش با ما همکاری می‌کند که خودش عضو کانون بوده است. برای معلمان هم نامه می‌نویسم و آن‌ها را از نحوه انجام کار با خبر می‌کنم.

● هر کاری حتماً لذت‌هایی هم دارد. در کار شما که مربی کتابخانه پستی هستید و اغلب هم مخاطبان خود را نمی‌بینید، چه لذت‌هایی وجود دارد؟ منظور من این

است که یک مربی کتابخانه پستی چطور انرژی می‌گیرد و هر روز باتری وجودش را شارژ می‌کند تا بتواند به کار و فعالیت خود ادامه بدهد.

□ نامه‌هایی که از طرف اعضا می‌آید، انرژی لازم برای کار کردن را به من می‌دهد. وقتی که می‌بینی اعضا به کتاب خواندن علاقه‌مند شده‌اند، وقتی می‌بینی که آن‌ها مسیر مطالعاتی پیدا می‌کنند، وقتی از تو کتاب می‌خواهند، بیشتر انرژی می‌گیری و کار را هر چند زیاد باشد، هر چند کسی را برای همکاری در کنار نداشته باشی، انجام می‌دهی.

من برای ارسال کتاب زمان‌بندی مشخص دارم و هیچ عذر و بهانه‌ای را در آن زمان‌ها برای خودم قبول ندارم (نه سرما، نه گرما، نه برف، نه باران و نه بدی راه). این روال را مدیران، معلمان و اعضا فهمیده‌اند و اگر در آن روز و تاریخ مشخص کتاب نفرستم، حتماً متوجه می‌شوند. همین‌ها به من نیرو می‌دهد که کارم را از ته دل و با تمام وجود انجام دهم.

● از شما صمیمانه تشکر می‌کنیم و برایتان آرزوی موفقیت روزافزون داریم.

وقتی که می‌بینی اعضا به کتاب خواندن علاقه‌مند شده‌اند، وقتی می‌بینی که آن‌ها مسیر مطالعاتی پیدا می‌کنند، وقتی از تو کتاب می‌خواهند، بیشتر انرژی می‌گیری و کار را هر چند زیاد باشد، هر چند کسی را برای همکاری در کنار نداشته باشی، انجام می‌دهی

